

مستلزم این است که قانونگذار بر همه آنها بطور کامل و دقیق، احاطه و اطلاع داشته باشد و اینگونه احاطه و اطلاعی بآفریدگار که پروردگار کل است انحصار دارد و از حیث استعداد و نیروی اندیشه آفریدگان خارج میباشد.

۳ - آوردن لفظ «العالمین» باین صیانت (صیغه، جمع ذوی العقول) شاید باین نکته اشارت باشد که تمام عوالمی که تربیت در آنها راه مییابد یعنی اندک اندک بسوی تکامل ره-پار و بنوبه لباس نقص را خلع و جامه کمالی نوین را لبس میکنند (بابه تعبیر عارفانه تری لبسی بعد لبس میکنند) باین منظور است که انسان و عارف و عاقل گردند و بحقیقت مقصود غائی و هدف نهائی از آفرینش و پرورش همه عوالم، عالم انسان است و دیگر عوالم، همه طفیل هستی او میباشد آری همه برای او و او برای عشق و علم و کمال صرف است پس از باب اشاره باینکه غایت تربیت، عقل و علم و عرفان و بالجمله انسان میباشد لفظ «العالمین» باین صیانت اداء شده است، بلکه بنظری دقیق چون هر عالمی از عوالم سابقه مرحله قوه است برای عالم لاحق پس عالم سابق بنظری عین عالم لاحق میباشد و چون آخرین عالم در سلسله این عوالم، عالم انسان است همه عوالم سابقه باعتبار شأنیت و قوه همان عالم انسان است و باین اعتبار بالقوه عاقل و عارف و عالم میباشد پس تعبیر باینگونه جمع، کمال مناسبتر است.

۳ - چنانکه جمله «الحمد لله» انحصار حمد را از لحاظ مقام الوهیت افاده میگرد و وصف «رب العالمین» نیز انحصار آنرا از لحاظ ربوبیت افاده میکند چه اضافه رب بکلمه «العالمین» که جمع بالف و لام است بر عموم اشعار دارد و ذکر «تربیت» بی آنکه بنحوی از انحاء

اختصاص داده شده باشد اطلاق را میرساند پس از این اطلاق و آن عموم این معنی مستفاد میگردد که حق، تعالی، شانه، نسبت بهر عالمی از عوالم و بهر گونه و نحوی از تربیت، ربوبیت دارد یعنی هیچ عالمی نیست که فردی در آن از تحت تربیت او خارج باشد و این معنی جز برای حقتعالی برای هیچ موجودی امکان ندارد. پس با گفتن این جمله (الحمد لله رب العالمین) هم توحید در الوهیت و هم توحید در ربوبیت بعمل آمده و اختصاص و انحصار «حمد» بطور کامل روشن گشته است.

اگر کسی کلمه «رب العالمین» را که در آغاز این سوره واقع و حمد الهی بآن متوجه گشته از روی دقت و تعمق مورد مطالعه و تفکر قرار دهد

فائده

متوجه میگردد که دیانت مقدس اسلام بیش از آنچه بنظر میرسد بکسب علوم و فنون عنایت داشته و دارد. اسلام برای اینکه خداشناسی مردم کامل گردد و هم برای اینکه خداشناسی برعالم بشریت فرمانروا شود و همه کس و در همه جا از روی خرد و دانش، نه بصرف اوهام و خیالات پوچ و کزاف، خدا را بشناسد فرا گرفتن دانش را بر هر مسلم «۱» فریضه ساخته طلب دانش را گرچه بارفتن تاجین و فرا گرفتن از بیگانگان از دین باشد فرمان داده است. اینها همه بجای خود در این کلمه، آه فاتحه کتاب الهی بآن افتتاح یافته، بطور ضمنی و کنایه، که از تصریح در نظر اهلس رساتر افتاده میفهماند که اهل اسلام اگر بخوانند خدا را بطور حقیقی بشناسند و سپس گزارند (نه اینکه بصرف لقلقله زبان، گفتن لفظ

۱ - در روایاتی که باین مضمون آمده لفظ «مسلمه» وارد نشده لیکن از لفظ «مسلم» در اینگونه عبارات که مراد از آن جنس است خصوص مذکر مراد نمیباشد. چنانکه لفظ «اطلبوا العلم» نیز بخصوص مردان اختصاص ندارد

« الحمد لله رب العالمین » را ورد و ذکر خود قرار دهند و از حقیقت آن غفلت داشته باشند) باید او را بشناسند ، معنی ربوبیت عام و مطلق حضرت حق را بتفصیل و تشریح آگاه گردند .

آیا اعتقاد و ایمان باینکه حمد حقیقی بخدای آفریننده و پرورنده کل ، اختصاص و انحصار دارد بخودی خود و بی علم و معرفت پیدا میشود ؟ و اگر پیدا شود آیا بحقیقت ، ایمان و اعتقاد است ؟

انسان وقتی ایمانش کامل و استوار است که تا حد امکان بکلیه از عوالم وجود را بشناسد و نسبت با آنها بررسی کامل کند ، طرز پدید آمدن و چگونگی پرورش یا فتن آنها را مورد تفحص و تحقیق قرار دهد .

در عالم ماوراء طبیعت اندیشه خود را بکار اندازد . کیفیت پدید آمدن عالم طبیعت و وضع نشو و ارتقاء و پرورش و تکامل موجودات مادی و طبیعی را از نظر بگذراند ، تاثیر و تاثر و فعل و انفعال موجودات عنصری را نسبت بهم دریابد .

در خصوص عالم انسان که عالم خود او میباشد مطالعاتی زیاد تر و دقیقتر بیشتر بکار برد جسم و نفس و اسلوب و طرز پیدایش و پرورش هر کدام را بدیده خرد متوجه گردد .

عالم فرد و جهان اجتماع و خصائص و لوازم آنها را بیک بیک مورد نظر سازد ، آنچه را آفریدگار و پروردگار برای پیشرفت و ترقی هر یک عنایت کرده رسیدگی کند .

بالاخره انسان ، عالمی کامل و بهمه عوالم و شئون آنها واقف گردد : علم جمادات ، علم نباتات ، علم حیوانات ، علم انسان ، علم جسم